

میراث‌نامه

با وجود هزینه کرد یک میلیاردی نورپردازی

موزه فرش ایران

شبیه‌تاریخانه‌است

■ CHN: نورپردازی در موزه‌ها و گالری‌ها برای بهتر نشان دادن آثار تاریخی و هنری یکی از اساسی‌ترین و کلیدی‌ترین کارهاست. با این حال نورپردازی در موزه فرش ایران چنان ضعیف و غیراستاندارد است که بازدیدکنندگان به سختی می‌توانند شاهکارهای هنر فرشبافی ایرانیان در این موزه را ببینند.

موزه فرش ایران در ضلع شمالی پارک لاله و روبه‌روی فروشگاه سپه خیابان فاطمی تهران واقع است. این موزه در ۲۲ بهمن ۱۳۵۶ افتتاح شد. معماری ساختمان این موزه به‌گونه‌ای طراحی شده که آذین‌های نمای بیرونی آن شبیه به دار قالی است. سطح نمایشی موزه مساحتی برابر ۳۴۰۰ مترمربع را در بر می‌گیرد که شامل دو تالار است و برای نمایش انواع قالی‌های دستبافت و گلیم مورد استفاده قرار می‌گیرد.

تالار طبقه هم‌کف به نمایشگاه دائمی اختصاص دارد و تالار فوقانی جهت برگزاری نمایشگاه‌های موقت گلیم و قالی طراحی شده است. مجموعه موزه فرش ایران شامل باارزش‌ترین نمونه‌های قالی ایران از قرن نهم هجری تا دوره معاصر است. معمولا حدود ۱۲۵ تخته از شاهکار قالی‌های ایران، بافت مراکز مهم قالی‌بافی مانند کاشان، کرمان، اصفهان، تبریز، خراسان، کردستان و جز آنها، در تالار طبقه هم‌کف به معرض نمایش گذاشته می‌شود.

طراحی زیبا و استاندارد موزه فرش و همین‌طور استندهایی که برای آویختن فرش‌های تاریخی در این موزه به کار رفته، در مجموع فضای زیبا و راحت را برای بازدیدید گردشگران، علاقه‌مندان و پژوهشگران فراهم می‌کند تا شاهکارهای هنر فرش‌بافی ایرانی را از نزدیک ببینند، با این حال اما نحوه نورپردازی فضای اصلی این موزه به گونه‌ای است که طرح‌ها و نقش و نگار پیاده شده روی فرش‌ها را به سختی می‌توان دید.

نورپردازی انجام گرفته در موزه فرش ایران چنان است که به تعبیر یک بازدیدکننده، اینجا بیش از آنکه به موزه شبیه باشد به تاریکخانه شباهت دارد. صادق رهنما دانشجوی کارشناسی ارشد رشته فرش دانشگاه هنر تهران که همراه با تعدادی برای دیدن فرش‌های این موزه آمده است، در این‌باره به CHN می‌گوید: «من به دلیل علاقه شخصی و رشته تحصیلی‌ام یکی از بازدیدکننده‌های همیشگی موزه فرش هستم و هر بار تعدادی از دوستان، هم‌دانشگاهی‌ها و اقوام



را برای دیدن آثار بی‌ظنیری که در اینجا هست، می‌آورم و برای آنها از زیبایی و اهمیت این فرش‌ها صحبت می‌کنم. اما متأسفانه نورپردازی در این موزه آنقدر ضعیف است که به سختی می‌توان نقش و نگار و طرح‌های بی‌ظنیری که روی این فرش‌ها اجرا شده را دید.» این دانشجوی فرش در ادامه می‌گوید: «همه می‌دانند صنعت فرش‌بافی ایران در همه جای دنیا سرآمد است و طبیعتا باید موزه فرش ایران نیز از همه لحاظ بی‌ظنیر و بی‌مانند باشد، اما متأسفانه این موزه با وجود طراحی بسیار مناسبی که در زمینه معماری دارد، در زمینه نورپردازی به شدت دچار مشکل است و بیشتر به تاریکخانه شبیه است تا موزه.» نورپردازی ضعیف و غیراستاندارد موزه فرش و اعتراض بازدیدکنندگانی مانند این دانشجوی فرش در حالی است که در اردیبهشت ماه گذشته مسئولان اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان تهران از انجام اقداماتی برای کاهش ۷۰ درصدی مصرف انرژی در موزه فرش خبر داده بودند. این اقدام که از آن به عنوان «پهنه‌سازی مصرف انرژی در موزه فرش ایران» نام برده می‌شد، در هفته میراث فرهنگی اجرا شد، بر همین اساس، تمام تاسیسات نورپردازی فضای داخلی، محوطه و ویتترین‌های این موزه با اعتباری یک میلیارد ریالی به لامپ‌های کم‌مصرف مجهز شد. با وجود این اما نتیجه کار نشان می‌دهد صرفه‌جویی انرژی تنها به کاهش نور و کیفیت نورپردازی در این موزه منجر شده است.

موزه فرش با ساختانی منحصربه‌فرد که در ساخت آن از دار قالی و معماری معاصر الهام گرفته شده، در تقاطع خیابان فاطمی و کارگر شمالی واقع شده و تحت مدیریت سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری است. این موزه در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۶ افتتاح شد و شامل دو طبقه است که طبقه اول به نمایشگاه دائمی و طبقه دوم هم به نمایشگاه‌های موقت فرش تعلق دارد. در حال حاضر طبقه دوم موزه فرش ایران به نمایش فرش‌هایی با نمادهای محرم اختصاص یافته است که در این نمایشگاه می‌توانید زبلویی از تفت در استان کرمان را ببینید که بیش از ۴۰۰ سال قدمت دارد. گفته می‌شود فرش‌هایی که در این موزه گذاشته شده‌اند از شاهکارهای فرش‌بافی در ایران هستند و قدمت قدیمی‌ترین آنها به دوران صفویه و زمان حکومت شاه‌عباس باز می‌گردد. معمولا نمونه‌هایی از مراکز مهم قالی‌بافی مانند کاشان، کرمان، اصفهان، تبریز، خراسان، کردستان، تهران و… در تالار طبقه هم‌کف به معرض نمایش گذاشته می‌شود.

میراث‌نامه

موزه فرش ایران

■ CHN: نورپردازی در موزه‌ها و گالری‌ها برای بهتر نشان دادن آثار تاریخی و هنری یکی از اساسی‌ترین و کلیدی‌ترین کارهاست. با این حال نورپردازی در موزه فرش ایران چنان ضعیف و غیراستاندارد است که بازدیدکنندگان به سختی می‌توانند شاهکارهای هنر فرشبافی ایرانیان در این موزه را ببینند.

موزه فرش ایران در ضلع شمالی پارک لاله و روبه‌روی فروشگاه سپه خیابان فاطمی تهران واقع است. این موزه در ۲۲ بهمن ۱۳۵۶ افتتاح شد. معماری ساختمان این موزه به‌گونه‌ای طراحی شده که آذین‌های نمای بیرونی آن شبیه به دار قالی است. سطح نمایشی موزه مساحتی برابر ۳۴۰۰ مترمربع را در بر می‌گیرد که شامل دو تالار است و برای نمایش انواع قالی‌های دستبافت و گلیم مورد استفاده قرار می‌گیرد.

تالار طبقه هم‌کف به نمایشگاه دائمی اختصاص دارد و تالار فوقانی جهت برگزاری نمایشگاه‌های موقت گلیم و قالی طراحی شده است. مجموعه موزه فرش ایران شامل باارزش‌ترین نمونه‌های قالی ایران از قرن نهم هجری تا دوره معاصر است. معمولا حدود ۱۲۵ تخته از شاهکار قالی‌های ایران، بافت مراکز مهم قالی‌بافی مانند کاشان، کرمان، اصفهان، تبریز، خراسان، کردستان و جز آنها، در تالار طبقه هم‌کف به معرض نمایش گذاشته می‌شود.

طراحی زیبا و استاندارد موزه فرش و همین‌طور استندهایی که برای آویختن فرش‌های تاریخی در این موزه به کار رفته، در مجموع فضای زیبا و راحت را برای بازدیدید گردشگران، علاقه‌مندان و پژوهشگران فراهم می‌کند تا شاهکارهای هنر فرش‌بافی ایرانی را از نزدیک ببینند، با این حال اما نحوه نورپردازی فضای اصلی این موزه به گونه‌ای است که طرح‌ها و نقش و نگار پیاده شده روی فرش‌ها را به سختی می‌توان دید.

نورپردازی انجام گرفته در موزه فرش ایران چنان است که به تعبیر یک بازدیدکننده، اینجا بیش از آنکه به موزه شبیه باشد به تاریکخانه شباهت دارد. صادق رهنما دانشجوی کارشناسی ارشد رشته فرش دانشگاه هنر تهران که همراه با تعدادی برای دیدن فرش‌های این موزه آمده است، در این‌باره به CHN می‌گوید: «من به دلیل علاقه شخصی و رشته تحصیلی‌ام یکی از بازدیدکننده‌های همیشگی موزه فرش هستم و هر بار تعدادی از دوستان، هم‌دانشگاهی‌ها و اقوام

را برای دیدن آثار بی‌ظنیری که در اینجا هست، می‌آورم و برای آنها از زیبایی و اهمیت این فرش‌ها صحبت می‌کنم. اما متأسفانه نورپردازی در این موزه آنقدر ضعیف است که به سختی می‌توان نقش و نگار و طرح‌های بی‌ظنیری که روی این فرش‌ها اجرا شده را دید.» این دانشجوی فرش در ادامه می‌گوید: «همه می‌دانند صنعت فرش‌بافی ایران در همه

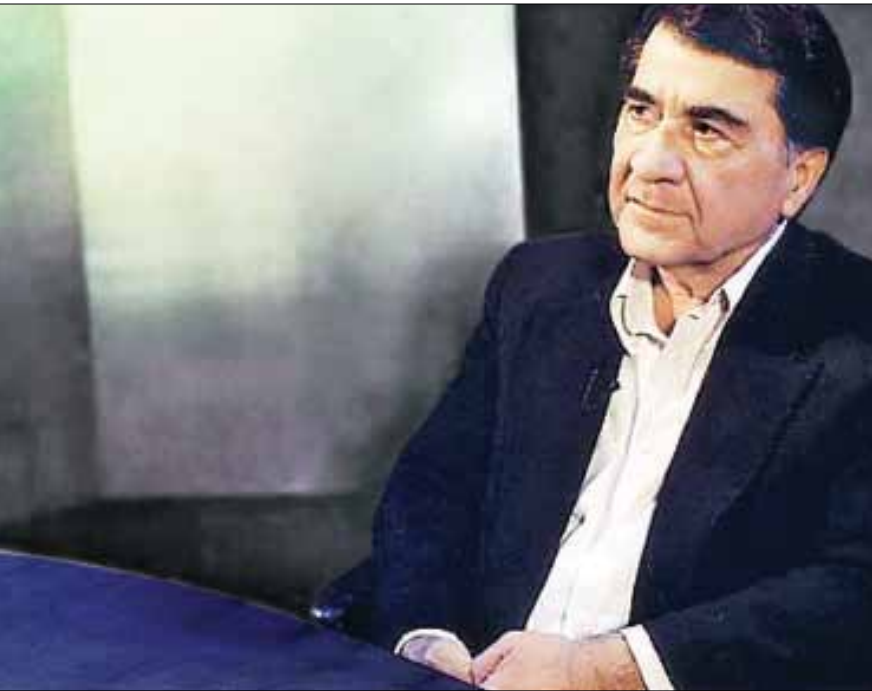
جای دنیا سرآمد است و طبیعتا باید موزه فرش ایران نیز از همه لحاظ بی‌ظنیر و بی‌مانند باشد، اما متأسفانه این موزه با وجود طراحی بسیار مناسبی که در زمینه معماری دارد، در زمینه نورپردازی به شدت دچار مشکل است و بیشتر به تاریکخانه شبیه است تا موزه.» نورپردازی ضعیف و غیراستاندارد موزه فرش و اعتراض بازدیدکنندگانی مانند این دانشجوی فرش در حالی است که در اردیبهشت ماه گذشته مسئولان اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان تهران از انجام اقداماتی برای کاهش ۷۰ درصدی مصرف انرژی در موزه فرش خبر داده بودند. این اقدام که از آن به عنوان «پهنه‌سازی مصرف انرژی در موزه فرش ایران» نام برده می‌شد، در هفته میراث فرهنگی اجرا شد، بر همین اساس، تمام تاسیسات نورپردازی فضای داخلی، محوطه و ویتترین‌های این موزه با اعتباری یک میلیارد ریالی به لامپ‌های کم‌مصرف مجهز شد. با وجود این اما نتیجه کار نشان می‌دهد صرفه‌جویی انرژی تنها به کاهش نور و کیفیت نورپردازی در این موزه منجر شده است.

موزه فرش با ساختانی منحصربه‌فرد که در ساخت آن از دار قالی و معماری معاصر الهام گرفته شده، در تقاطع خیابان فاطمی و کارگر شمالی واقع شده و تحت مدیریت سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری است. این موزه در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۶ افتتاح شد و شامل دو طبقه است که طبقه اول به نمایشگاه دائمی و طبقه دوم هم به نمایشگاه‌های موقت فرش تعلق دارد. در حال حاضر طبقه دوم موزه فرش ایران به نمایش فرش‌هایی با نمادهای محرم اختصاص یافته است که در این نمایشگاه می‌توانید زبلویی از تفت در استان کرمان را ببینید که بیش از ۴۰۰ سال قدمت دارد. گفته می‌شود فرش‌هایی که در این موزه گذاشته شده‌اند از شاهکارهای فرش‌بافی در ایران هستند و قدمت قدیمی‌ترین آنها به دوران صفویه و زمان حکومت شاه‌عباس باز می‌گردد. معمولا نمونه‌هایی از مراکز مهم قالی‌بافی مانند کاشان، کرمان، اصفهان، تبریز، خراسان، کردستان، تهران و… در تالار طبقه هم‌کف به معرض نمایش گذاشته می‌شود.

یادی از «باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی» پدر علم مرمت در ایران

مرمت آثار وابنيه تاريخی؛ پنج سال بدون استاد

علی رنگپیان *



«مرمت، اقدامی است که رابطه بین اثر و مرمتگر (انسان) را مشخص می‌کند. مرمتگر، انسانی است متخصص و هنرمند که نگاه عمیق به تاریخ دارد و مهم‌تر آنکه امروزی است و انسانی معاصر. او را جاذبه عشق به تاریخ، هنر و بالاتر از همه انسان به این کار کشانده است.

او انسان بی‌تفاوتی نیست و نگاهش به اثر تاریخی از

روى شناخت و عشق است و این عشق است که انگیزه‌ای است برای شناخت او و رابطه او با اثر، رابطه‌ای عاشقانه، عالمانه و هنرمندانه است. مرمت پیش از آنکه یک حرفه باشد، به ایتالیا رقت و در سال ۱۲۵۰ (۱۹۷۱) با درجه عالی موفق به اخذ مدرک دکترا در رشته مطالعه و مرمت بناها و بافت‌های تاریخی از دانشکده معماری دانشگاه ژم شد. عنوان پایان‌نامه دکترای وی «پروژه احیای بازار اصفهان – مرکز کهن تجاری و فرهنگی شهر» بود.

شیرازی خویش را از نسلی می‌داند که بسیار تلاش کرده‌اند و موفقیت آنان ثمره همین تلاش‌هاست. وی در توصیف دوران رشد خود می‌گوید: «زمان بسیار خاصی بود. دوران تولد من دوران اوج رضا شاه بود و بعد از زمان جنگ جهانی دوم دوران حذیض او بود که در آن زمان به سنی رسیده بودم که فضای دوران جنگ و شرایط حاکم بر کشور را درک کنم. هرچند کوچک بودم، اما خاطرات آن دوران برام خیلی زنده است و سختی معیشت و حضور اجانب در کشورمان را لمس می‌کردم و می‌دیدم.»

استاد شیرازی به‌عنوان فردی پیشرو و تلاشگر در عرصه مرمت ایران در توصیف اخلاق در مرمت می‌نویسد:

استاد شیرازی به‌عنوان فردی پیشرو و تلاشگر در عرصه مرمت ایران در توصیف اخلاق در مرمت می‌نویسد:

سفر در سفرنامه‌ها – ۷ (سفرنامه آدام اولناریوس)

مستشار فریدریش سوم در دربار شاه‌صفی

در روزی زمین گذاشته بودند.» (اولناریوس، ص ۵۵۰)
وی سپس به شرح اصفهان و دیدنی‌های آن می‌پردازد و به سرگرمی‌های موجود در میان‌بزرگ شهر اشاره می‌کند، از جمله به بازی تخته نرد و شطرنج که در چایخانه‌ها رایج بوده، می‌پردازد و می‌گوید: «ایرانی‌ها در شطرنج استادند و در این بازی از روس‌ها مهارت زیادتى دارند.» (اولناریوس، ص ۶۱۰)

او بازار اصفهان را محل تجمع افراد همه ملل دنیا می‌داند و می‌نویسد در آنجا علاوه بر تجار ایرانی، تاجران هندی، تاتارهای خوارزم، ختایی، بخارایی، ترک، یهودی، ارمنی، گرجی و در کنار آنها تجار اروپایی از انگلستان، هلند، فرانسه، ایتالیا و اسپانیا مشاهده می‌شوند.

(اولناریوس، ص ۶۱۱)
اولناریوس در شرح مردمان ایرانی به طول عمر آنها اشاره می‌کند و آن را ناشی از رعایت اعتدال غذایی می‌داند و می‌نویسد که ایرانیان در خوردن غذاهای چرب و مقوی و گران‌قیمت افراط نمی‌کنند.
وی ایرانیان را مردمان لاغراندام و در عین حال قوی و نیرومند توصیف می‌کند که رنگ چهره و پوست آنها قهوه‌ای و سبزه بوده و بینی عقابی شکلی دارند. او به اهمیت نظافت و تمیزی نزد ایرانی‌ها اشاره می‌کند و می‌نویسد که: «از این لحاظ نقطه مقابل روس‌ها هستند و به جرات می‌توان گفت که طولبه ایرانی‌ها به مراتب تمیزتر از اتاق نشیمن روس‌هاست.» (اولناریوس، ص۶۴۴)

اولناریوس در بحث زبان به نکته جالبی اشاره می‌کند که: «در دربار سلطنتی اصفهان ترکی رواج دارد و انسان در آنجا کلمات ترکی را بیشتر از فارسی می‌شنود. در حقیقت این هم یک رسم است که در دربارها به زبان دیگری غیر از زبان خود صحبت کنند. چنانچه در دربار ترکیه به زبان اسلاو و در دربار هندوستان به زبان فارسی صحبت می‌کنند.» (اولناریوس، ص ۶۷۶)

هیات آلمانی پس از پایان ماموریت خود این‌بار از طریق قزوین به سرزمین گیلان وارد شده و از مسیر رشت و استارا و با ورود به سرزمین داغستان تا مرکز هلشتین یعنی شهر گوتروپ به پایان سفر خود رسیدند. بروگمان سفیر دوم گروه پس از حسابرسی به‌دلیل رایاه صورت‌های جعلی و ساختگی از مخارج سفر به خیانت در امانت محکوم شده، اعدام شد.

منبع: **سفرنامه آدام اولناریوس (دو جلد)، ترجمه: مهندس حسین کردچه، انتشارات هیرمند، چاپ اول: ۱۳۷۹**

گزارش خبری

گنجینه‌ای از سنگ‌های قیمتی در اوج محرومیت

■ مهر: کرمان جزو سه استان برتر کشور در زمینه معادن سنگ‌های قیمتی محسوب می‌شود این درحالی است که در بسیاری از مناطقی که این گنجینه‌ها قرار دارند محرومیت خودنمایی می‌کند. کنکاش‌های باستان‌شناسان در محوطه‌های باستانی پیش از تاریخ استان کهن کرمان نشان می‌دهد که در اکثر این مناطق سنگ‌های قیمتی جزو جدانشدنی از داشته‌های مردمان این خطه بوده است. طبق بررسی‌های صورت گرفته تجارت سنگ‌های قیمتی در استان کرمان قدمتی معادل ۶ تا ۷ هزار سال دارد که نشان از این دارد که این نوع تجارت ریشه در تاریخ و فرهنگ کرمان دارد. اما با وجود گنجینه‌های غنی و قابل توجه سنگ‌های قیمتی و نیمه قیمتی در استان کرمان کمتر توجهی به سرمایه‌گذاری و توسعه این بخش در استان صورت گرفته است و این روزها این تجارت کهن کرمانی‌ها روزگار خوشی ندارد.

استفاده از سرمایه‌های بومی در این بخش نه‌تنها می‌تواند در رونق بیش از پیش تولید ملی در استان تلاش کند بلکه می‌تواند در محرومیت‌زدایی در این مناطق و افزایش اشتغال نیز تاثیر بالقوهای داشته باشد که به علت عدم توجه مناسب تاکنون چنین اتفاقی روی نداده است اما طی سال‌های اخیر مسئولان استان رغبت بیشتری به سرمایه‌گذاری در این بخش پیدا کرده‌اند با این وجود اکثر این رغبت‌ها در گام نخست باقی مانده و کمتر جنبه عملی به خود گرفته است.

در حال حاضر اکثر سنگ‌های قیمتی و تزینی استان کرمان بدون کوچک‌ترین ارزش افزوده پس از استخراج، از استان کرمان خارج می‌شوند و در استان‌های صاحب سبک همچون خراسان رضوی و قم پس از تراش خوردن و تبدیل شدن به سایر اقلام، با قیمت چند برابر ارزش اولیه به فروش می‌رسند در این میان کمتر اسمی از استان کرمان نیز برده می‌شود.

خراسان کرمان به گفته کارشناسان در کنار استان رضوی و قم جزو سه قطب مهم کرمان سنگ‌های قیمتی محسوب می‌شود که در این میان کرمان گنجینه‌ای از سنگ‌های موسوم به «گارت» است هر چند به دلایل امنیتی مکان و میزان ظرفیت این معادن به صورت عمومی اعلام نمی‌شود اما بدون شک ذخایر استان کرمان در این زمینه در کنار دو استان دیگر قابلیت اقتصادی قابل توجهی را برای کشور ایجاد کرده است که در صورت سرمایه‌گذاری دقیق در این بخش ضمن اینکه می‌توان اقتصاد را از جنبه تک‌قطبی بر مبنای نفت خارج کند بلکه به سادگی می‌توان گام‌های بسیار بلندی در در زمینه افزایش تولید ملی و ایجاد بستری مناسب برای اقتصاد مقاومتی برداشت.

محمد قیومی، کارشناس و فعال بخش سنگ‌های قیمتی در گفت‌وگو با مهر در خصوص ذخایر استان کرمان گفت: در واقع کرمان گنجینه‌ای از سنگ‌های گارت است که شامل سنگ‌های اوروپوت، گراسولا، پیروپ و دیمانئوئید، در کوهی، ترمالین، یشم، جاسپر آندروزیت، اپیدوت، آمینیت و فیروزه است همچنان کرمان بهشت سنگ‌های قیمتی در ساختمان‌سازی است که باید موردتوجه جدی قرار گیرد. وی ادامه داد: برخی کشورهای همسایه به خصوص افغانستان و پاکستان به دالیل سرمایه‌گذاری مناسب در این بخش از کشور ما جلوتر ساخت زبور آلات و همچنان به دلیل عدم سرمایه‌گذاری معادن سنگ‌های قیمتی کشور به خصوص در استان کرمان جایگاه خود را پیدا نکرده‌اند.

قیومی گستره کاربرد این سنگ‌ها را بسیار وسیع برشمرد و گفت: نباید تصور شود که این سنگ‌ها تنها برای ساخت زیورآلات و قرار گرفتن در گالری‌های جواهرات مناسب هستند بلکه این سنگ‌ها می‌توانند در بسیاری از صنایع و علوم پیشرفته کاربردهای غیرقابل انکاری داشته باشند که چندین برابر گالری‌های جواهرات برای کشور درآمدزایی دارند. محمد صادقی یکی دیگر از فعالان این عرصه در گفت‌وگو با مهر اظهار داشت: یکی از مشکلات عمده در این بخش نداشتن شناسنامه و بستر مناسب در بخش سنگ‌های قیمتی استان کرمان است زیرا به دلیل تبلیغات بسیار بالای سایر استان‌ها و سکوت عجیبی که بر این صنعت در استان کرمان حاکم است، سنگ‌های کرمان به نام سایر استان‌ها به فروش می‌رسد در حالی‌که کیفیت سنگ‌های کرمان اکثرا از سایر مناطق بیشتر است. وی ادامه داد: کرمان به بهشت معادن ایران شهرت دارد و در زمینه‌های مختلف شرایط جغرافیایی کرمان به گونه‌ای رقم خورده که معادن غنی در استان وجود دارد که اکثرا بکر و دست نخورده باقی مانده‌اند و تعجب صاحب‌نظران را دربردارد.

وی عدم آموزش در این بخش را بزرگ‌ترین ضربه به این بخش اقتصادی دانست و گفت: استخراج‌کنندگان و حتی برش‌دهندگان این سنگ‌ها باید از آموزش لازم برخوردار باشند اما این امر در کرمان روی نداده و سرمایه‌استان به صورت خام هدر می‌رود و همچنان تنها امری که در این مسیر اتفاق می‌افتد، خام‌فروشی است. وی در ادامه به بازار بسیار مناسب خاورمیانه برای فروش سنگ‌های قیمتی اشاره کرد و گفت: وجود مراکز مذهبی در خاورمیانه زمینه بسیار مناسبی برای توسعه صنعت در بخش ساخت زیورآلات است اما تاکنون این اقدام صورت نگرفته است.

استان کرمان جزو سه استان برتر کشور در زمینه معادن سنگ‌های قیمتی محسوب می‌شود این درحالی است که در بسیاری از مناطقی که این گنجینه‌ها قرار دارند محرومیت خودنمایی می‌کند. کنکاش‌های باستان‌شناسان در محوطه‌های باستانی پیش از تاریخ استان کهن کرمان نشان می‌دهد که در اکثر این مناطق سنگ‌های قیمتی جزو جدانشدنی از داشته‌های مردمان این خطه بوده است. طبق بررسی‌های صورت گرفته تجارت سنگ‌های قیمتی در استان کرمان قدمتی معادل ۶ تا ۷ هزار سال دارد که نشان از این دارد که این نوع تجارت ریشه در تاریخ و فرهنگ کرمان دارد. اما با وجود گنجینه‌های غنی و قابل توجه سنگ‌های قیمتی و نیمه قیمتی در استان کرمان کمتر توجهی به سرمایه‌گذاری و توسعه این بخش در استان صورت گرفته است و این روزها این تجارت کهن کرمانی‌ها روزگار خوشی ندارد.

استفاده از سرمایه‌های بومی در این بخش نه‌تنها می‌تواند در رونق بیش از پیش تولید ملی در استان تلاش کند بلکه می‌تواند در محرومیت‌زدایی در این مناطق و افزایش اشتغال نیز تاثیر بالقوهای داشته باشد که به علت عدم توجه مناسب تاکنون چنین اتفاقی روی نداده است اما طی سال‌های اخیر مسئولان استان رغبت بیشتری به سرمایه‌گذاری در این بخش پیدا کرده‌اند با این وجود اکثر این رغبت‌ها در گام نخست باقی مانده و کمتر جنبه عملی به خود گرفته است.

در حال حاضر اکثر سنگ‌های قیمتی و تزینی استان کرمان بدون کوچک‌ترین ارزش افزوده پس از استخراج، از استان کرمان خارج می‌شوند و در استان‌های صاحب سبک همچون خراسان رضوی و قم پس از تراش خوردن و تبدیل شدن به سایر اقلام، با قیمت چند برابر ارزش اولیه به فروش می‌رسند در این میان کمتر اسمی از استان کرمان نیز برده می‌شود.

خراسان کرمان به گفته کارشناسان در کنار استان رضوی و قم جزو سه قطب مهم کرمان سنگ‌های قیمتی محسوب می‌شود که در این میان کرمان گنجینه‌ای از سنگ‌های موسوم به «گارت» است هر چند به دلایل امنیتی مکان و میزان ظرفیت این معادن به صورت عمومی اعلام نمی‌شود اما بدون شک ذخایر استان کرمان در این زمینه در کنار دو استان دیگر قابلیت اقتصادی قابل توجهی را برای کشور ایجاد کرده است که در صورت سرمایه‌گذاری دقیق در این بخش ضمن اینکه می‌توان اقتصاد را از جنبه تک‌قطبی بر مبنای نفت خارج کند بلکه به سادگی می‌توان گام‌های بسیار بلندی در در زمینه افزایش تولید ملی و ایجاد بستری مناسب برای اقتصاد مقاومتی برداشت.

محمد قیومی، کارشناس و فعال بخش سنگ‌های قیمتی در گفت‌وگو با مهر در خصوص ذخایر استان کرمان گفت: در واقع کرمان گنجینه‌ای از سنگ‌های گارت است که شامل سنگ‌های اوروپوت، گراسولا، پیروپ و دیمانئوئید، در کوهی، ترمالین، یشم، جاسپر آندروزیت، اپیدوت، آمینیت و فیروزه است همچنان کرمان بهشت سنگ‌های قیمتی در ساختمان‌سازی است که باید موردتوجه جدی قرار گیرد. وی ادامه داد: برخی کشورهای همسایه به خصوص افغانستان و پاکستان به دالیل سرمایه‌گذاری مناسب در این بخش از کشور ما جلوتر ساخت زیورآلات و همچنان به دلیل عدم سرمایه‌گذاری معادن سنگ‌های قیمتی کشور به خصوص در استان کرمان جایگاه خود را پیدا نکرده‌اند.

قیومی گستره کاربرد این سنگ‌ها را بسیار وسیع برشمرد و گفت: نباید تصور شود که این سنگ‌ها تنها برای ساخت زیورآلات و قرار گرفتن در گالری‌های جواهرات مناسب هستند بلکه این سنگ‌ها می‌توانند در بسیاری از صنایع و علوم پیشرفته کاربردهای غیرقابل انکاری داشته باشند که چندین برابر گالری‌های جواهرات برای کشور درآمدزایی دارند. محمد صادقی یکی دیگر از فعالان این عرصه در گفت‌وگو با مهر اظهار داشت: یکی از مشکلات عمده در این بخش نداشتن شناسنامه و بستر مناسب در بخش سنگ‌های قیمتی استان کرمان است زیرا به دلیل تبلیغات بسیار بالای سایر استان‌ها و سکوت عجیبی که بر این صنعت در استان کرمان حاکم است، سنگ‌های کرمان به نام سایر استان‌ها به فروش می‌رسد در حالی‌که کیفیت سنگ‌های کرمان اکثرا از سایر مناطق بیشتر است.

وی عدم آموزش در این بخش را بزرگ‌ترین ضربه به این بخش اقتصادی دانست و گفت: استخراج‌کنندگان و حتی برش‌دهندگان این سنگ‌ها باید از آموزش لازم برخوردار باشند اما این امر در کرمان روی نداده و سرمایه‌استان به صورت خام هدر می‌رود و همچنان تنها امری که در این مسیر اتفاق می‌افتد، خام‌فروشی است. وی در ادامه به بازار بسیار مناسب خاورمیانه برای فروش سنگ‌های قیمتی اشاره کرد و گفت: وجود مراکز مذهبی در خاورمیانه زمینه بسیار مناسبی برای توسعه صنعت در بخش ساخت زیورآلات است اما تاکنون این اقدام صورت نگرفته است.